

شب قدر؛ تجلی‌گاه فضیلت و رحمت

حجت الاسلام والمسلمین محمدمین صادقی اُرزگانی*

اشاره

ماه مبارک رمضان، فرصت‌ها و آثار و برکات فراوانی به همراه می‌آورد که از آن میان، شمیم دل‌انگیز «لیلة القدر» است. قرآن کریم درباره این شب، تعبیر زیبا و معناداری نموده و آن را برتر از هزار ماه دانسته و فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ شب قدر، از هزار ماه، ارجمندتر است.^۲ واژه «قدر» و «تقدیر»، به معنای اندازه و اندازه‌گیری است^۳ و در اصطلاح قرآن، واژگان یادشده به معنای ویژگی و جود و چگونگی آفرینش موجودات هستی است.^۴

مراد از «قدر» در آیه مزبور، تقدیر است؛ چون خداوند، رخدادها و حوادث یک‌ساله عالم و آدم را در آن شب، تقدیر (اندازه‌گیری) می‌کند. از این رو، آن را «لیلة القدر» نامیده است؛^۵ یعنی شبی که تجلی‌گاه فضیلت و رحمت است و آینه‌ای است که حقایق

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. قدر، آیه ۳.

۲. رک: راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۸.

۳. رک: طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۴۳.

۴. رک: همان، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

بزرگی را در خود جلوه‌گر ساخته. اگرچه درباره «لیلة القدر» جای سخن بسیار است و از جنبه‌های مختلف قابل‌بازشناسی می‌باشد، ولی در این مجال کوتاه، در چند محور اساسی، به اختصار، برخی نکته‌های بنیادین این شب مبارک را بررسی می‌کنیم.

۱. پیشینه شب قدر

یکی از پرسش‌های مطرح درباره شب قدر، این است که آیا این شب مبارک، یک آموزه قرآنی است و تنها قرآن کریم از آن یاد نموده و یا این‌که قبل از آخرین وحی‌نامه آسمانی، در آموزه‌های ادیان پیشین نیز مطرح بوده است؟

گرچه در کتاب مقدس درباره روزه‌داری سخن گفته شده،^۱ ولی درباره شب قدر مطلبی ذکر نشده است؛ اما در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، در این باره که «لیلة القدر» قبل از اسلام نیز مطرح بوده، به روشنی سخن گفته شده است. از حضرت امام جواد علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «لَقَدْ خَلَقَ اللهُ تَعَالَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا، وَ لَقَدْ خَلَقَ فِيهَا أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكُونُ، وَ أَوَّلَ وَصِيٍّ يَكُونُ؛^۲ خداوند شب قدر را در آغاز خلقت جهان آفریده و در آن، اولین پیامبر و نخستین وصی را به وجود آورد.» از این روایت به خوبی به دست می‌آید که شب قدر را از اوّل خلقت عالم دنیا آفریده است. چه این‌که از نوع بیان قرآن کریم نیز به دست می‌آید که شب قدر، قبل از نزول قرآن نیز وجود داشته و خداوند قرآن کریم را در آن شب نازل فرموده است؛ آن‌جا که فرموده: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛^۳ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.»

گرچه ممکن است در این باره برداشت‌های متفاوتی وجود داشته باشد، ولی از بیان آیه به‌آسانی می‌توان فهمید که شب قدر، به عنوان یک ظرف زمانی از قبل مطرح بوده و خداوند فرموده که ما قرآن را در آن ظرف زمانی نازل کردیم؛ به‌خصوص این‌که در روایت یادشده تصریح گردید که شب قدر، از اوّل خلقت دنیا وجود داشته است.

۱. ر.ک: مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ش، ص ۴۳۷ - ۴۳۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۷۳، ح ۶۳.

۳. قدر، آیه ۱.

گفتنی است، در برخی روایات آمده که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَهَبَ لِأُمَّتِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ لَمْ يُعْطِهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ؛^۱ خداوند به امت من شب قدر را بخشید؛ در حالی که کسی از امت‌های پیشین، از این موهبت برخوردار نبودند.» برخی معاصران با استناد به این روایت گفته‌اند که شب قدر قبلاً نبوده است؛ ولی به روایت قبلی اشاره نکرده‌اند. معلوم می‌شود که روایت پیشین، مورد توجه ایشان واقع نشده و تنها با استناد به روایت دوم، نبود «ليلة القدر» را مطرح کرده‌اند. در هر صورت، در مقام جمع میان این دو روایت، می‌توان گفت اگرچه شب قدر به عنوان یک ظرف زمانی که امور عالم در آن مقدر می‌شود، از قبل بوده و برخی آثار معنوی هم داشته است، ولی در پی نزول قرآن در آن شب، این ظرف زمانی، به برکت مظروف خود، یعنی قرآن کریم، فضیلت‌ها و برکاتی پیدا نمود که قبلاً نداشته است؛ مثلاً فضیلت و برتری این شب بر هزار ماه که در قرآن ذکر شده، به دنبال نزول قرآن، برای شب قدر ایجاد شده است.^۲

ماه رمضان نیز از رهگذر این که ظرف نزول قرآن کریم است، بر سایر ماه‌ها برتری و فضیلت یافته است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؛^۳ ماه رمضان، [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است.»

۲. تجلی شب قدر در افق‌های مختلف

برخی بزرگان در این باره نکته‌های سودمندی مطرح نموده‌اند؛ از جمله گفته‌اند: یکی از مسائل مطرح درباره «ليلة القدر» این است که این شب، بر اساس افق‌های مختلف در زمان‌های متعدد ممکن است رخ دهد؛ مثلاً در یک افق شرقی مثل کشور هند، ممکن است شب یک‌شنبه ۲۳ ماه رمضان باشد که طبق روایات اهل بیت علیهم‌السلام شب قدر است؛ ولی در یک افق غربی مثل کشور ایران، شب قبلش مثلاً شنبه، شب ۲۳ ماه بوده است؛ زیرا در افق‌های غربی ممکن است رؤیت هلال ماه رمضان، یک شب زودتر

۱. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، قم: نشر کتابخانه مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۱.

۲. ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، قم: نشر مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ش، ص ۷۷.

۳. بقره، آیه ۱۸۵.

صورت گرفته باشد. حال، پرسش این است که کدام یکی از این دو شب (مثلاً شنبه و یک‌شنبه) «لیلة القدر» محسوب می‌شود؟ در پاسخ می‌توان گفت که هر دو آن شب (شنبه و یک‌شنبه، بر اساس تعداد افق‌ها)، «لیلة القدر» است؛ چون «لیلة القدر»، حقیقتی است که حسب زمان‌ها ممکن است تجلی و ظهورات متعدد پیدا کند و در هر افقی، طبق رؤیت هلال همان افق، مصداق «لیلة القدر» زمانی به حساب آید.^۱ از این رو، فقیه بزرگ آیت‌الله رفیعی قزوینی ضمن تحلیل مسأله گفته است: شب قدر فرازمانی که از آن به «لیلة القدر» دهری یاد می‌شود و روح زمان است، یکی است؛ ولی شب قدر زمانی که در عالم طبیعت رخ می‌دهد، به اختلاف افق‌ها متعدد است. باید توجه داشت که هر چند شب‌های قدر، حسب افق‌های مختلف از جهت زمانی بودن، متعدد و مختلف است، اما از حیث اتصال و ارتباط همه آن‌ها به شب قدر دهری، متحد هستند؛ زیرا که همه سایه‌ها و مظاهر حقیقت دهری، شب قدر می‌باشند.

خلاصه این که حقیقت فراطبیعی «لیلة القدر»، یکی است؛ چون حقیقتی است که وجود عقلانی و فرازمانی دارد و فقط تجلیات زمانی آن، بر اساس نوع افق‌ها، متعدد خواهد بود.^۲

۳. نهفته بودن شب قدر

یکی دیگر از مسائل مربوط به شب قدر، پاسخ دادن به این پرسش است که «لیلة القدر»، کدام شب از شب‌های ماه رمضان است و چرا زمان دقیق آن مشخص نگردیده است؟ مشهور بین اهل سنت، این است که شب ۲۷ ماه رمضان «لیلة القدر» بوده و شبی است که قرآن در آن نازل گردیده است؛^۳ ولی بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام، شب قدر،

۱. ر.ک: حسن‌زاده آملی، حسن، انسان و قرآن، تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۹ش، ص ۱۹۵.

۲. ر.ک: رفیعی قزوینی، مجموعه رسایل و مقالات فلسفی، تصحیح و مقدمه: غلامحسین رضانزاد، تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۷ش، ص ۷۵.

۳. ر.ک: طباطبایی، المیزان، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

مردد بین یکی از سه شب: ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان است. از این رو، وقتی از حضرت امام صادق علیه السلام درباره «لیلة القدر» سؤال شد، حضرت فرمود: «أُطْلِبُهَا فِي تِسْعِ عَشْرَةَ، وَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ»^۱ آن را در شب: ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان بجویید.» در برخی روایات نیز آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: «التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ، وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَالْأَمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ»^۲ اندازه‌گیری و تقدیر امور عالم در شب نوزدهم، و تحکیم آن‌ها در شب بیست و یکم، و امضا و تنفیذ آن‌ها در شب بیست و سوم است.»

در مجموع، از روایات شیعی به دست می‌آید که «لیلة القدر»، دایره مدار بین یکی از شب‌های سه‌گانه یادشده است و بیرون از آن سه شب نیست؛ ولی اینک باید به این پرسش پاسخ گفت که چرا به طور مشخص، بیان نشده که کدام‌یک از آن سه شب، «لیلة القدر» است؟

در جواب این سؤال، ابتدا باید گفت برای خود ائمه علیهم السلام این موضوع کاملاً روشن و مشخص بوده است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرموده: «إِنَّا لَا يَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ، إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُطَوِّفُونَ بِنَا فِيهَا»^۳ بی‌تردید، شب قدر بر ما پوشیده نیست؛ زیرا در آن شب، فرشتگان (نزد ما فرود می‌آیند.) و بر دور ما طواف می‌کنند.» ولی بر اساس حکمت الهی و مصلحت‌های نهفته که برای ما روشن نیست، ائمه علیهم السلام گرچه خود می‌دانسته‌اند، ولی به طور مشخص برای دیگران زمان دقیق شب قدر را بیان نکرده‌اند. علامه طباطبایی رحمته الله ضمن اشاره به روایاتی که «لیلة القدر» را بین دو شب «۲۱ و ۲۳» و سه شب «۱۹، ۲۱ و ۲۳» مطرح نموده، گفته است: این‌که شب قدر معین نشده، برای تعظیم و پاس‌داشت بزرگی و حفظ شأن و منزلت آن شب است؛ که مبادا بشر با انجام معصیت در آن شب مشخص، حرمت و منزلت آن را نشکند و عظمت آن را نادیده نگیرد.^۴

۱. طبرسی، مجمع البیان، بیروت: نشر دار المعرفه، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۷۸۵.

۲. سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، قم: نشر مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران: منشورات الأعلمی، ۱۳۷۴ش، باب ۳، ص ۲۴۱، ح ۵.

۴. ر.ک: طباطبایی، المیزان، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

در مجموع، حکمت نهفته بودن «لیلة القدر» بین شب‌های سه‌گانه هر چه باشد، مهم آن است که مقام و منزلت «لیلة القدر» به اندازه‌ای است که انسان برای درک آن، باید سه شب تلاش نماید تا جان او به طور کامل سیراب گردد و از زمزم زلال قدر، جانش لبریزتر شود. مولوی در این باره بسیار زیبا گفته است:

حق شب قدر است در شب‌ها نهان تا کند جان هر شبی را امتحان
نه همه شب‌ها بود قدر ای جوان نه همه شب‌ها بود خالی از آن^۱

۴. تجلی قرآن در شب قدر

یکی از ویژگی‌های بی‌نظیر «لیلة القدر» که در نظام آفرینش هیچ مقطع زمانی از آن ویژگی برخوردار نیست، این است که آن شب، ظرف نزول آخرین وحی‌نامه آسمانی است. خداوند درباره زمان تجلی قرآن فرموده: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۲ ما آن [قرآن] را در شب فرخنده نازل کردیم. و در سوره قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۳ ما آن را در شب قدر نازل نمودیم.»

جمع بین این دو آیه و برخی آیات دیگر، نشان می‌دهد که قرآن کریم به صورت دفعی در شب مبارک قدر نازل شده است؛^۴ چه این که در جای دیگر به صراحت فرموده: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۵ ماه رمضان، [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. در نتیجه، معلوم می‌شود ماه مبارک رمضان و شب مبارک قدر، ظرف نزول تمام قرآن است.^۶

مفسر حکیم علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه با اشاره به نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم گفته است: قرآن در دو مرتبه نازل شده؛ مرتبه‌ای از آن بسیط و یکپارچه و مصون از تغییر

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۵ش، دفتر دوم، ص ۲۹۹.

۲. دخان، آیه ۳.

۳. قدر، آیه ۱.

۴. رک: جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، پیشین، ص ۶۹-۷۰.

۵. بقره، آیه ۱۸۵.

۶. رک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، پیشین، ص ۷۲.

است و مرتبه دیگر، به صورت تفصیلی و غیر بسیط است و صلاحیت تغییر و تحوّل به گونه ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد. آنچه در شب مبارک قدر بر قلب مطهر رسول خدا ﷺ نازل گردیده، مرتبه بسیط قرآن است و آنچه در طی دوران رسالت بر آن حضرت نازل شده، مرتبه تفصیلی قرآن کریم است؛ یعنی هر آیه، شأن نزول مشخصی داشته و به تناسب رخدادها و در زمان‌های خاصی نازل گردیده است.^۱

بنابراین، «لیلة القدر» ظرف نزول و تجلی زمانی قرآن کریم است و فضایل فراوانی که برای این شب مطرح است، همه به برکت مظروف آن ظرف، یعنی قرآن است و در واقع، ظرف بلورین شب قدر، با کوثر آخرین وحی نامه آسمانی صفا و جلا یا قداست و منزلت یافته است.

افزون بر این، آموزه‌های تربیتی، معنوی و قدسی قرآن و شب قدر نیز بسیار قابل توجه است؛ بدین بیان که اگرچه انس و برقراری ارتباط با قرآن از طریق تلاوت، تدبر در آیات و تلاش برای درک مفاهیم و معارف قرآن کریم، همیشه و در هر زمان، لازم و پُر خیر و برکت است، ولی آن امور در شب قدر، مزیت‌ها و آثار بی‌بدیل دارد. در این جا به نمونه‌هایی از احادیث که بر تلاوت و انس با قرآن تأکید و سفارش دارند، اشاره می‌شود:

۱. یکی از آسان‌ترین راه ارتباط با قرآن و استفاده از این مائده آسمانی، تلاوت آن است که برای همگان قابل دسترسی است. رسول خدا ﷺ تلاوت قرآن را گفت‌وگو با خداوند دانسته و فرموده: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ؛^۲ هرگاه کسی از شما دوست داشت با پروردگارش سخن بگوید، باید قرآن تلاوت نماید.»

طبق این حدیث، تلاوت قرآن در واقع، یک نوع تجربه «کلیم الله» بودن است. از این رو، علمای بزرگ و عارفان سترگ، همواره مسأله تلاوت قرآن را در برنامه سلوکی خود داشته‌اند؛ به عنوان نمونه، در سلوک شخصی و برنامه روزانه امام خمینی رحمته الله علیه، تلاوت بخش‌هایی از قرآن کریم طی چند نوبت در روز وجود داشته است؛ به خصوص

۱. رک: طباطبایی، المیزان، پیشین، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۸.

۲. متقی، علی، کنز العمال، بیروت: نشر مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۲۲۵۷.

در ماه رمضان که هر روز، ده جزء قرآن تلاوت می‌نمود. این برنامه، تا آخرین روز زندگی او ادامه داشته و حتی در روزها و ساعات آخر عمر که روی تخت بیمارستان بستری بود، برنامه روزانه تلاوت قرآن او ترک نشد.^۱

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ عِبَادَةٍ أُمَّتِي قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ؛^۲ برترین عبادت امت من، تلاوت قرآن است.»

۳. تلاوت قرآن، برای همگان حیات‌بخش است؛ ولی برای جوانان، آثار و برکاتی خاص دارد؛ به‌خصوص اگر این کار در شب قدر انجام شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ؛^۳ انسان مؤمن که در سن جوانی قرآن را تلاوت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود.» درباره معنای این حدیث نورانی گفته شده: این بیان، کنایه از آن است که صورت قرآن در قلب و جان انسان استقرار می‌یابد و به اندازه لیاقت او، چهره جانش جلوه‌گاه کلام‌الله می‌شود.^۴

۴. چنان‌که اشاره شد، تلاوت قرآن همواره چون زمزمی زلال، نهال جان آدمی را طراوت و نشاط می‌بخشد؛ ولی ماه رمضان و شب قدر، یک موقعیت مهم و بی‌نظیر برای این فیض بزرگ است که آداب و آثار خاص خود را دارد؛ به‌عنوان نمونه امام باقر علیه السلام فرمود: در شب قدر قرآن را در جلو روی خود بکشایید و بگویید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ...؛^۵ خداوندا! از تو می‌خواهم به حق کتاب فرستاده شده تو...». و همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که در شب قدر قرآن را بر سر بگذارید و بگویید: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ، وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ...؛^۶ خداوندا! به حق این قرآن و به حق آن کسی که او را با این قرآن فرستاده‌ای...».

۱. به نقل از: خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانش‌نامه قرآن، تهران: انتشارات دوستان، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۰۰۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۸۹، ص ۱۹.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۰۳، ح ۶.

۴. ر.ک: امام خمینی، شرح چهل حدیث، نشر مؤسسه آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۹۸.

۵. سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، پیشین، ص ۱۸۶.

۶. همان، ص ۱۸۷.

تفصیل اعمال قرآنی شب قدر را مرحوم شیخ عباس قمی در کتب گران‌سنگ مفاتیح الجنان بیان کرده است. نکته زیبایی قرآنی در این باره این است که قرآن به سر گرفتن در شب قدر، چه بسا موجب می‌گردد که زمینه‌ای در انسان به وجود بیاید که قرآن را در قلب جای بگیرد و نورش در دل تجلی کند.

۵. ارتباط ولایت با شب قدر

یکی از مسائل درس‌آموز «لیلة القدر»، پیوند ناگسستنی آن با ولایت است. همان طور که ولایت به عنوان یک فیض مستمر تا قیام قیامت جریان دارد، شب قدر نیز حقیقتی همواره فروزان و چشمه‌ای همیشه‌جوشان است. در این باره به چند نکته مهم اشاره می‌گردد:

۱. امیر مؤمنان، علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيهَا قَدَرٌ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يُتَّكَبَرُ وَلَا يَأْتِيهِ الْإِيمَةُ مِنْ وَوَلَدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ به درستی که خداوند متعال مقدر نموده در آن شب، تمام چیزهایی که تا روز قیامت به وجود می‌آید؛ از جمله چیزهایی که خداوند مقدر کرده، ولایت شما و ولایت امامان از فرزندان شما تا روز قیامت است.»

۲. در روایت دیگر، از امام صادق علیه السلام رسیده که با اشاره به آیه اول سوره قدر فرمود: «نَزَلَتْ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِيهَا وَ قُدِّرَتْ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِيهَا»^۲ ولایت امیر مؤمنان، در شب قدر نازل شد و ولایت آن حضرت در آن شب مقدر گردید.»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْبَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ أَنَا أَنْزَلْنَاهُ، تَفَلَّجُوا فَوَاللَّهِ إِنَّهَا لِحُجَّةٌ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ»^۳ ای گروه شیعه! با مخالفان‌تان با سوره «انا انزلناه» (سوره قدر) مناظره نمایید پیروز می‌شوید. سوگند به خداوند! آن سوره بعد از پیامبر، حجت خدا بر مردم است.»

۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، بیروت: نشر دار المعرفه، ۱۳۹۹ق، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۱۶.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۱، باب ۹۷، ص ۲۴۹، ح ۶.

گفتنی است که در فرازی از سوره مبارکه قدر آمده: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ؛^۱ در آن [شب]، فرشتگان با روح، به فرمان پروردگارشان برای کاری [که مقرر شده است]، فرود آیند.»

استاد بزرگوار علامه حسن‌زاده آملی با اشاره به این بخش از سوره قدر گفته است: کلمه «تَنْزَلُ»، فعل مضارع است که دلالت بر تجدد و زمان آینده و استمرار دارد و طبق آیه یادشده، قرآن کریم به‌صراحت فرموده: ملائکه با روح‌القدس، به اذن پروردگارشان هر سال شب قدر در زمان رسول خدا ﷺ بر آن حضرت نازل می‌گردیدند. پس، باید بعد از رحلت او نیز به کسی نازل شوند که آن فرد باید دارای صفات رسول خدا ﷺ باشد؛ چون خلیفه باید به صفت «مستخلف‌عنه»^۲ باشد.

در مجموع، معلوم شد که به دلایل قرآنی و روایی، «لیلة‌القدر» رابطه و پیوند استوار با ولایت دارد و همان‌طور که در زمان حیات رسول اکرم ﷺ در شب قدر، ملائکه بر او نازل می‌شدند، بعد از آن حضرت، بر امیر مؤمنان و امامان بعد از او نازل می‌شوند و در عصر کنونی، ملائکه در شب قدر به حضور قطب دایره امکان، امام زمان عجل‌تعالیه تشریف پیدا می‌کنند و این به نوبه خود، دلیل بر وجود انسان کامل، حضرت مهدی موعود عجل‌تعالیه است؛ زیرا اگر آن حضرت نمی‌بود، فرود آمدن ملائکه در شب قدر بر روی زمین که در قرآن به‌صراحت مطرح شده، معنا پیدا نمی‌کند.

۶. شب قدر، طلایی‌ترین زمان نیایش

دعا و نیایش، از زیباترین گفت‌وگوهای محب با محبوب و نمایش نجوای دلبرانه‌ی عاشق با معشوق است. دعا، در واقع، تجلی عشق راستین انسان است؛ عشق به آن موجودی که آغاز همه از او است، انجام همه به او است و هر چه هست، او است و غیر او، همه هیچ و فانی مطلق است.

۱. قدر، آیه ۴.

۲. ر.ک: حسن‌زاده آملی، انسان و قرآن، پیشین، ص ۲۴۴.

چه این که دعا ممکن است یک توبه نامه و اعلام ندامت و اظهار شوق به بازگشت به سوی اصالت گمشده خویش باشد؛ توبه ای که رجعت و عذرخواهی و طلب پوزش از آفریدگار و پروردگار و مولای خویش است. دعا، ممکن است پژواک دل انسان مظلوم باشد که از ظلم ستمگر در پیشگاه داور عدل پرور، اظهار دادخواهی می کند. در مجموع، دعا هر چه باشد و برای هر چیزی باشد، زیباترین گفت و گوی انسان با آفریدگار و پروردگارش است که در هر زمان ممکن است انجام شود؛ ولی طلایی ترین زمان برای این گفتمان آموزنده، شب قدر است.

در باب نقش زمان در تأثیر دعا و اجابت آن، گفته برخی بزرگان اهل عرفان بسیار زیبا و درس آموز است که فرموده اند: اوقات، در تأثیر دعا و احوال دعاکننده نقش بسزایی دارد؛ به خصوص شبها برای ذکر و خلوت و نیایش شأنیت خاص دارد؛ چون «لیل» غیب است و انسان را به غیب و باطن می کشاند و می رساند. از این رو، در آیات و روایات بر تهجد شب و خلوت های شبانه بسیار ترغیب و تشویق شده است. بی تردید، از بهترین مناسبات زمانی، ماه مبارک رمضان است که برای نفوس مستعد، اثر تکوینی خاص دارد.^۱

به دلیل اهمیت و نقش بی بدیل زمان، به ویژه ماه رمضان و شبهای قدر است که در آموزه های اهل بیت علیهم السلام دعاها و نیایش های متعددی در منابع مربوطه ذکر شده که کتاب گران سنگ مفاتیح الجنان با بیان روشن به تفصیل در این باره بحث نموده است؛ از جمله، این دعای نورانی است:

«يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ جَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَ رَبَّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، ... وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مَعَ السُّعْدَاءِ وَ رُوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَ إِسَائَتِي مَغْفُورَةً...»^۲

ای پروردگار شب قدر که آن را از هزار ماه بهتر قرار دادی و ای پروردگار شب و روز! اسم مرا در این شب در زمره سعادت مندان، و روح مرا با شهدا، و احسان و نیکی مرا در بالاترین درجه قرار ده، و گناهان مرا ببامرز...»

۱. ر.ک: حسن زاده آملی، حسن، رساله نُورُ عَلِيٍّ نُورٌ فِي ذِكْرِ وَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ، قم: انتشارات حکمت، ۱۴۰۷ق، ص ۵۶.

۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۱.

گفتنی است، در باب دعا در شب‌های قدر، بلکه در همه زمان‌ها، این نکته اساسی نباید مورد غفلت قرار گیرد که دعا هر چه باشد و برای هر امر مشروع از امور مربوط به زندگی دنیا و یا خواست‌های اخروی انسان باشد، خداوند مهربان دعاکننده را دست خالی نمی‌گذارد. امام صادق علیه السلام فرموده:

«مَا أْبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْرًا حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ»^۱ هیچ بنده‌ای دست خود را به سوی خدای عزیز و جباران کننده دراز نمی‌کند، مگر این‌که خداوند حیا می‌کند که دست او را خالی برگرداند و چیزی از فضل و رحمت که می‌خواهد در آن نگذارد.»

بر اساس این گونه آموزه‌های متعالی، مولوی، ضمن قصه‌ای درباره اجابت دعا چنین گفته است:

شخصی همواره مشغول دعا بود. شبی شیطان به او گفت: ای مرد ساده‌دل! این همه دعا نمودی، اما خواستت اجابت نشد. پس چرا خود را به زحمت می‌اندازی و این کار را ادامه می‌دهی؟ آن شخصی باورش آمد و دلش شکست و سر بر زمین نهاد و از غصه خوابش برد. در عالم رؤیا، جناب خضر علیه السلام را دید که از او پرسید: ای مرد مؤمن! چرا از ذکر و دعا و نیایش با خدای خود بازمانده‌ای و چرا از آن دعا و درخواست‌های خود پیشمان شدی؟

او جواب داد: این همه دعا نمودم، ولی لیبیک و اجابتی نشنیدم. شاید خداوند مرا از در رحمت خود رانده و دعای مرا اجابت نمی‌کند. از جانب حق تعالی به آن شخص گفته شده:

گفت آن الله تو، لیبیک ماست و آن نیاز و درد و سوزت پیک ماست
ترس و عشق تو کمند لطف ماست زیر هر یا رب تو لیبیک‌هاست^۲
بنابراین، هرگز دعا، بدون اجابت نخواهد بود؛ به‌خصوص در شب‌های قدر که خداوند متعال دعاها را قبول نموده، همان حاجت و یا حاجت‌های بهتر از آن را، به او می‌دهد؛ هرچند ممکن است خود شخص متوجه اجابت دعایش نشود.

۱. ابن فهد حلی، عده‌الداعی، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ص ۹۷.

۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر سوم، ص ۳۴۹.

سلامّ هی حتی مطلع الفجر
ز دست بی بی خود خوشه اجر
از این که در شب اسرار بدر است
ضیافت‌گاه و منزل‌گاه و صدر است
تمام نور و شور و حق‌پرستی
به فرق ما بکش یک خوب دستی^۱

شب قدر است و طی شد نامه هجر
رجامندیم از این ماه و از این شب
از این که صاحب قرآن و قدر است
از این که روح فوج آسمان را
هلا ای لیلۃ الاسرار هستی
به شانه رایت رمز الستی

۱. علامه موحد بلخی، گلشن ناز (در دست انتشار).